



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
مرکز پژوهش‌ها

پایش تحولات تجارت جهانی شماره ۱۰۵

دفتر دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

اسفند ۱۴۰۳

فهرست مطالب

- ۱..... تحولات جهانی
- ۱..... اجرایی شدن تعرفه های ترامپ
- ۲..... کاخ سفید از سیاست جدید «اول آمریکا» در سرمایه‌گذاری رونمایی کرد: چین در فهرست دشمنان خارجی
- ۴..... استراتژی دفاعی اتحادیه اروپا در برابر جنگ تعرفه‌ای ترامپ: حفظ منافع تجاری و امنیتی
- ۵..... صادرات گندم روسیه به رکورد جدیدی رسید
- ۶..... تحولات منطقه ای
- ۶..... آرامکو عربستان از سود خالص ۱۰۶,۲ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۴ خبر داد
- ۶..... توافق جدید ایرباس و امارات
- ۷..... قزاقستان جایگاه خود را به‌عنوان قطب ترانزیتی جهانی تقویت می‌کند
- ۸..... سازمان تجارت جهانی تحقیق درباره تعرفه‌های ترکیه بر خودروهای برقی چینی را آغاز کرد
- ۸..... تقویت همکاری‌های اقتصادی قطر و ترکیه
- ۹..... بررسی راه‌های گسترش همکاری اقتصادی قطر و بریتانیا در جذب سرمایه‌گذاری
- ۹..... تأیید رتبه اعتباری قزاقستان با چشم‌انداز باثبات توسط S&P
- ۱۰..... سرمایه‌گذاری مشترک ترکیه و چین برای تقویت تجارت در سین‌کیانگ
- ۱۱..... جهش پنج برابری سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های ترکیه
- ۱۲..... افتتاح دفتر منطقه‌ای بوش در عربستان، گامی در راستای توسعه همکاری‌های اقتصادی
- ۱۲..... عربستان تولید خرما را به بیش از ۱,۹ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ افزایش داد
- ۱۳..... پژوهش‌های تازه
- ۱۳..... تأثیر تجارت بر رفاه: تحلیل بازارهای نوظهور در شرق آسیا و شرق آفریقا (۱۹۹۵-۲۰۲۱)
- ۱۵..... آیا ایالات متحده و چین در مسیر گسست اقتصادی قرار دارند؟

تحولات جهانی

اجرای شدن تعرفه‌های ترامپ

از تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تعرفه‌های سنگینی را بر واردات از چین، کانادا و مکزیک اعمال کرد و دلیل این اقدام را نگرانی‌های امنیت ملی مرتبط با مهاجرت غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و عدم توازن تجاری عنوان کرد. این اقدامات که تحت قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA) اجرا شدند، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی دارند. تعرفه‌ای ۱۰ درصدی بر تمامی کالاهای وارداتی از چین، از جمله محصولات هنگ‌کنگ اعمال شد. دولت ترامپ مدعی است این اقدام با هدف مقابله با زنجیره تأمین مواد مخدر مصنوعی، به‌ویژه فنتانیل، که با تعداد زیادی از مرگ‌ومیرهای ناشی از مصرف بیش از حد مواد مخدر در ایالات متحده مرتبط است، انجام گرفت. علاوه بر این، تعرفه‌ای ۲۵ درصدی بر تمامی کالاهای وارداتی از کانادا و مکزیک وضع شد، در حالی که تعرفه منابع انرژی کانادایی، از جمله برق، گاز طبیعی و نفت، با نرخ کاهش یافته ۱۰ درصد اعمال شد. این اقدامات برای ترغیب کانادا و مکزیک به تقویت تلاش‌هایشان در مبارزه با مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، به‌ویژه ورود فنتانیل به ایالات متحده، طراحی شده است.

مؤسسه اقتصاد بین‌المللی پترسون تخمین می‌زند که یک خانوار معمولی آمریکایی به دلیل این تعرفه‌های جدید، سالانه ۱۲۰۰ دلار هزینه اضافی متحمل خواهد شد. علاوه بر این، مرکز مطالعات بودجه در دانشگاه ییل پیش‌بینی می‌کند که این تعرفه‌ها طی یک دهه آینده موجب کاهش ۳۲۲ میلیارد دلاری تولید ناخالص داخلی واقعی ایالات متحده خواهد شد. بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، این تعرفه‌ها ممکن است منجر به افزایش قیمت مصرف‌کننده شود. برای مثال، تعرفه ۱۰ درصدی بر کفش‌های تولید چین می‌تواند باعث افزایش ۴ درصدی قیمت آن‌ها شود، در حالی که قیمت شراب و روغن زیتون ایتالیایی تقریباً معادل همان ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت. رویترز گزارش داده است که شاخص S&P ۵۰۰ از اوج تاریخی خود در ماه فوریه ۵ درصد کاهش یافته که نشان‌دهنده نگرانی سرمایه‌گذاران درباره تأثیر احتمالی تعرفه‌ها بر رشد اقتصادی و سود شرکت‌ها است. همچنین، تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که این تعرفه‌ها می‌توانند درآمد شرکت‌های حاضر در این شاخص را بین ۵ تا ۷ درصد تا سال ۲۰۲۶ کاهش دهند. انجمن ملی نمایندگی‌های خودروی ایالات متحده هشدار داده است که این تعرفه‌ها می‌توانند موجب افزایش قیمت خودروهای جدید شوند و تأثیر منفی بر صنعت خودروسازی آمریکا بگذارند. چین اعلام کرده است که از ۱۰ مارس، تعرفه‌های متقابل بر محصولات کشاورزی کلیدی ایالات متحده، از جمله مرغ، گوشت خوک، سویا و گوشت گاو اعمال خواهد کرد. انتظار می‌رود این اقدام باعث کاهش تقاضا برای صادرات آمریکا و فشار نزولی بر درآمدهای کشاورزی داخلی شود. شورای روابط خارجی آمریکا اشاره کرده است که تعرفه ۱۰ درصدی بر واردات انرژی از کانادا احتمالاً باعث افزایش قیمت انرژی برای مصرف‌کنندگان آمریکایی خواهد شد، به‌ویژه در منطقه غرب میانه، جایی که قیمت بنزین ممکن است تا ۵۰ سنت در هر گالن افزایش یابد. در واکنش به این تعرفه‌ها، کانادا اعلام کرده است که ظرف ۲۱ روز، تعرفه‌های تلافی‌جویانه‌ای بر ۱۰۰ میلیارد دلار از کالاهای آمریکایی اعمال خواهد کرد. در همین حال، مکزیک و چین نیز برنامه‌هایی برای اعمال تعرفه‌های متقابل بر کالاهای آمریکایی دارند و نگرانی خود را در مورد احتمال نقض توافق‌های تجاری موجود و تأثیر منفی آن بر روابط دوجانبه ابراز کرده‌اند. مؤسسه بروکینگز هشدار داده است که اعمال مداوم تعرفه‌ها می‌تواند توانایی ایالات متحده را در توسعه زنجیره‌های تأمین امن‌تر و رقابت با چین کاهش دهد و این امر ممکن

است در نهایت به رکود اقتصادی منجر شود. در مجموع، این تعرفه‌های جدید بر اقتصاد ایالات متحده تأثیرگذار خواهند بود و منجر به افزایش قیمت مصرف‌کننده، کاهش رشد تولید ناخالص داخلی و ایجاد نوسان در بازارهای مالی خواهند شد. این اقدامات همچنین خطر تیره شدن روابط تجاری بین‌المللی را به همراه دارند و ممکن است منجر به اقدام‌های تلافی‌جویانه‌ای شود که بر بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیر خواهد گذاشت.

کاخ سفید از سیاست جدید «اول آمریکا» در سرمایه‌گذاری رونمایی کرد: چین در فهرست دشمنان خارجی

کاخ سفید با انتشار یادداشت سیاستی جدیدی تحت عنوان «سیاست سرمایه‌گذاری اول آمریکا» درصدد ایجاد توازن میان حفظ محیطی باز برای سرمایه‌گذاری و اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های استراتژیک است. این سیاست، که بخشی از راهبرد کلی دولت ترامپ برای تقویت امنیت ملی و اقتصادی محسوب می‌شود، دستورالعمل‌های تازه‌ای را برای وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی و مقابله با ورود سرمایه‌های تهدیدآمیز ارائه می‌کند. در چارچوب این سیاست، سرمایه‌گذاری از سوی متحدان و شرکای استراتژیک ایالات متحده تسهیل خواهد شد، درحالی‌که از ورود سرمایه‌های «غارتگرانه»^۱ از سوی رقبایی مانند جمهوری خلق چین جلوگیری می‌شود. علاوه بر تغییرات اساسی در ساختار نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی، این سیاست مقررات جدیدی را برای افزایش محدودیت‌های سرمایه‌گذاری ایالات متحده در خارج از کشور نیز در بر می‌گیرد. سه محور اصلی آن شامل اصلاح فرآیند بررسی سرمایه‌گذاری‌ها، تقویت نظارت بر بخش‌های حیاتی و تشدید کنترل بر سرمایه‌گذاری‌های پرریسک خارجی است.

دولت ترامپ در تلاش است تا با پررنگ‌تر کردن نقش کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات متحده (CFIUS)، امنیت ملی را در برابر نفوذ سرمایه‌های خارجی، به‌ویژه از سوی چین، تقویت کند. براساس این سیاست، افراد و نهادهای وابسته به چین از سرمایه‌گذاری در بخش‌های استراتژیک آمریکا، از جمله فناوری‌های پیشرفته، زیرساخت‌های حیاتی، انرژی، کشاورزی و مواد خام منع خواهند شد، درحالی‌که سرمایه‌گذاری از سوی کشورهای متحد ایالات متحده تسهیل می‌شود. برای این منظور، یک فرآیند سریع‌العمل برای بررسی سرمایه‌گذاری‌های شرکای مورد تأیید واشنگتن طراحی شده است که ضمن کاهش موانع اداری، روند تأیید درخواست‌ها را تسریع می‌کند. همچنین، دولت از توافق‌های کاهش ریسک که تعهدات پیچیده و پرهزینه‌ای برای شرکت‌های خارجی ایجاد می‌کند، فاصله گرفته و به‌جای آن، بر ممنوعیت مستقیم معاملات پرریسک تمرکز کرده است.

دولت در حال بررسی گسترش برنامه امنیت سرمایه‌گذاری خارج از مرزهای وزارت خزانه‌داری است تا طیف وسیع‌تری از بخش‌ها و انواع سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی را پوشش دهد. این اقدام در راستای محدود کردن دسترسی شرکت‌های چینی به منابع سرمایه‌گذاری آمریکایی صورت می‌گیرد، چراکه تاکنون این شرکت‌ها از طریق عرضه اوراق بهادار در بورس‌های ایالات متحده و لابی‌گری برای ورود به شاخص‌های مالی آمریکا توانسته‌اند از این منابع بهره‌مند شوند. در صورت تغییر قوانین، چنین رویه‌هایی ممکن است با محدودیت‌های جدیدی مواجه شوند. این محدودیت‌ها به‌ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری‌های

^۱ اصطلاح «سرمایه‌گذاری‌های غارتگرانه» (Predatory Investments) به سرمایه‌گذاری‌هایی اطلاق می‌شود که هدف اصلی آن کسب کنترل استراتژیک، دسترسی به فناوری‌های حساس، یا تضعیف رقیب از طریق روش‌های غیرمنصفانه یا تهدیدآمیز است. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها معمولاً توسط شرکت‌های دولتی یا تحت حمایت دولت‌های رقیب انجام می‌شود و می‌تواند به دلایل امنیتی، اقتصادی یا سیاسی مورد نگرانی قرار گیرد.

ایالات متحده در چین اعمال خواهد شد و حوزه‌هایی مانند نیمه‌هادی‌ها، هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی، بیوتکنولوژی، فناوری‌های هایدروژنیک، هوافضا، تولید پیشرفته و انرژی هدایت‌شده را در بر خواهد گرفت. کاخ سفید اعلام کرده است که برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری اشخاص آمریکایی در صنایع نظامی چین، از تمامی ابزارهای قانونی موجود، از جمله تحریم‌های اقتصادی تحت قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA)، استفاده خواهد کرد. این اقدامات شامل بررسی دقیق‌تر شرکت‌های عمومی وابسته به چین که در بورس‌های ایالات متحده ثبت شده‌اند نیز می‌شود و ممکن است نظارت‌های مالی و حسابرسی‌های سخت‌گیرانه‌تری بر آن‌ها اعمال شود. همچنین، بررسی‌های زیست‌محیطی برای سرمایه‌گذاری‌هایی که ارزش آن‌ها بیش از ۱ میلیارد دلار در ایالات متحده است، تسریع خواهد شد. علاوه بر چین، کشورهای نظیر روسیه، ایران، کره شمالی، کوبا و ونزوئلا نیز به‌عنوان «دشمنان خارجی» معرفی شده‌اند و تدابیر ویژه‌ای برای محدود کردن نفوذ سرمایه‌گذاری‌های وابسته به این کشورها در بازارهای ایالات متحده در نظر گرفته شده است. در این راستا، دولت ترامپ از کمیته سرمایه‌گذاری خارجی ایالات متحده (CFIUS) انتظار دارد که به‌جای کاهش ریسک از طریق توافق‌های پرهزینه، به‌طور مستقیم معاملات پرریسک را مسدود کند.

این ممنوعیت شامل سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با فناوری‌های حساس مانند هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها، بیوتکنولوژی و سایر فناوری‌های نوظهور خواهد بود. همچنین، فرآیندی جدید به نام «فرآیند سریع‌العمل» برای تأیید سرمایه‌گذاری‌های کشورهای متحد طراحی شده است که این فرآیند، با سرعت بیش‌تری سرمایه‌گذاری‌های مورد تأیید را بررسی کرده و تضمین‌های امنیتی جدیدی برای سرمایه‌گذاران کشورهای متحد وضع خواهد کرد، از جمله ممنوعیت همکاری با دشمنان خارجی ایالات متحده. تحلیلگران معتقدند این سیاست می‌تواند جایگزینی برای روند طولانی‌مدت بررسی‌های سرمایه‌گذاری باشد و ممکن است محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌های حساس را افزایش دهد، درحالی‌که سرمایه‌گذاران خارجی را به بازنگری در استراتژی‌های خود وادار کند. این رویکرد همچنین به‌عنوان سیگنالی مثبت برای سرمایه‌گذاران کشورهای متحد در نظر گرفته شده و آن‌ها را به گسترش سرمایه‌گذاری در ایالات متحده ترغیب خواهد کرد. علاوه بر این، احتمال تعلیق یا خاتمه کنوانسیون مالیاتی ۱۹۸۴ میان ایالات متحده و چین وجود دارد، چراکه کاخ سفید آن را به تقویت قدرت اقتصادی و نظامی چین مرتبط می‌داند. همچنین، بررسی ساختارهای مالی و حقوقی شرکت‌های وابسته به دشمنان خارجی که در ایالات متحده فعالیت دارند و اصلاح مقررات سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌تواند به اعمال کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تر بر سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی منجر شود.

سیاست جدید «اول آمریکا» در سرمایه‌گذاری، ادامه‌ای بر راهبردهای دولت ترامپ در کنترل سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مقابله با تهدیدات اقتصادی و امنیتی محسوب می‌شود. این سیاست با اعمال محدودیت‌های گسترده‌تر بر سرمایه‌گذاری‌های چین و سایر رقبای استراتژیک، در عین تسهیل فرآیند سرمایه‌گذاری برای کشورهای متحد آمریکا، چارچوب نظارتی سخت‌گیرانه‌تری را پیاده‌سازی می‌کند. در همین راستا، نقش کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات متحده (CFIUS) پررنگ‌تر شده و به‌جای توافق‌های کاهش ریسک، بر ممنوعیت مستقیم معاملات پرریسک تمرکز شده است. همچنین، دامنه برنامه امنیت سرمایه‌گذاری به خارج از مرزها توسعه یافته تا مانع از تأمین مالی شرکت‌های وابسته به چین و دیگر دشمنان خارجی شود. در مجموع، دولت ترامپ با ایجاد تغییرات ساختاری در نظام نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی، در پی استفاده از

ابزارهای اقتصادی و امنیتی برای کنترل نفوذ رقبای استراتژیک ایالات متحده است. این سیاست به‌عنوان یکی از ستون‌های کلیدی راهبرد اقتصادی و امنیت ملی آمریکا در سال‌های آینده در نظر گرفته می‌شود.

استراتژی دفاعی اتحادیه اروپا در برابر جنگ تعرفه‌ای ترامپ: حفظ منافع تجاری و امنیتی

با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، اتحادیه اروپا خود را در برابر دور جدیدی از جنگ‌های تجاری با ایالات متحده می‌بیند، جایی که سیاست «اول آمریکا» بار دیگر در دستور کار قرار گرفته است. ترامپ از نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود، روایتی مبنی بر بهره‌مندی ناعادلانه اروپا از توافقات تجاری با آمریکا و وابستگی امنیتی این قاره به واشنگتن مطرح کرده است. پس از آن که وی موفقیت‌هایی را در جنگ تجاری با کانادا و مکزیک به دست آورد، اکنون نگاهی را به اروپا معطوف کرده است. اما آنچه بروکسل باید از واشنگتن انتظار داشته باشد همچنان پیچیده و نامشخص است. در سیاست‌های تجاری دولت ترامپ، دو جناح مشخص وجود دارند: اقتصاددانان ملی‌گرا، به‌ویژه جمیسون گریر، گزینه ترامپ برای نماینده تجاری ایالات متحده، و گروهی از میلیاردرهای نزدیک به ترامپ که تعرفه‌ها را به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در موضوعات مختلف می‌بینند.

جیم گریر که طرفدار سرسخت سیاست‌های ملی‌گرایانه اقتصادی است، معتقد است که تعرفه‌ها ابزار کلیدی برای کاهش کسری تجاری آمریکا و بازگرداندن تولید به داخل کشور هستند. تمرکز اصلی او بر کسری تجاری آمریکا با اروپا در حوزه‌های کشاورزی و صنعت خودروسازی خواهد بود و تلاش می‌کند اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار دهد تا تعرفه‌های خود را کاهش داده و موانع غیرتعرفه‌ای را بردارد. در مقابل، ترامپ و مشاوران تجاری او اغلب از تعرفه‌ها نه به‌عنوان ابزاری اقتصادی، بلکه به‌عنوان اهرمی برای کسب امتیازات در موضوعات سیاسی و استراتژیک استفاده می‌کنند.

اگرچه ترامپ از کسری تجاری آمریکا با اروپا انتقاد کرده است، اما عملکرد گذشته او نشان می‌دهد که اغلب از تعرفه‌ها برای رسیدن به توافقات کلان‌تر استفاده می‌کند. او در دوران ریاست‌جمهوری خود نشان داده که حاضر است از سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه چین فاصله بگیرد، به‌ویژه زمانی که امتیازات اقتصادی برای آمریکا به دست آید. شورای روابط خارجی اروپا به‌عنوان بازوی مشورتی این اتحادیه معتقد است که اتحادیه اروپا برای مدیریت این دو رویکرد متضاد باید استراتژی‌ای را دنبال کند که همزمان از منافع اقتصادی خود محافظت کرده و از فشارهای تعرفه‌ای جلوگیری کند. بروکسل باید با نمایش آمادگی برای همکاری در برخی حوزه‌های تجاری و امنیتی مرتبط با چین، از این مسئله به‌عنوان اهرمی برای کاهش تعرفه‌ها روی کالاهای اروپایی استفاده کند. در عین حال، اروپا باید تهدیدات متقابل علیه شرکت‌های آمریکایی را به‌گونه‌ای طراحی کند که به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند.

از دیدگاه شورای روابط خارجی اروپا، یکی از مؤثرترین راهبردهای دفاعی برای اتحادیه اروپا، اتخاذ رویکردی مشابه با کانادا در برابر جنگ تجاری ترامپ است. اتاوا در دوران گذشته توانست با نشان دادن آمادگی بالا و تهدیدات هدفمند، واشنگتن را مجبور به عقب‌نشینی از برخی تعرفه‌ها کند. تهدید کانادا به اعمال مالیات بر صادرات نفت، نمونه‌ای از دیپلماسی اقتصادی موفق بود که به ترامپ نشان داد اقدامات متقابل، هزینه‌هایی برای ایالات متحده خواهد داشت. این شورا معتقد است که از آن‌جا که سیاست تجاری در اتحادیه اروپا یک حوزه تحت حاکمیت مشترک است، حفظ وحدت در این زمینه نسبت به دیگر مسائل مانند چین، آسان‌تر خواهد بود. با این حال، فشارهای داخلی، از جمله اعتراضات کشاورزان و رشد پوپولیسم، ممکن است باعث شود بسیاری از کشورهای اروپایی در برابر فشارهای ایالات متحده برای کاهش موانع وارداتی در بخش کشاورزی، مانند گوشت هورمونی یا مرغ کلردار، موضعی متحد اتخاذ کنند.

در برخی حوزه‌ها، مانند واردات گاز طبیعی مایع (LNG)، اتحادیه اروپا می‌تواند امتیازاتی به ایالات متحده ارائه دهد. برای مدیریت این تنش‌ها، اروپا نه تنها باید بر حفظ اتحاد داخلی خود تمرکز کند، بلکه باید یک روایتی طراحی کند که به ترامپ اجازه دهد خود را برنده معرفی کند، بدون آن که منافع استراتژیک اروپا به خطر بیفتد. به همین دلیل، بروکسل در حال آماده‌سازی یک بسته پیشنهادی است که شامل افزایش همکاری در حوزه امنیت، خرید بیش‌تر LNG، ایجاد فرصت‌های شغلی در ایالات متحده و تقویت اتحاد اروپا و آمریکا در برابر چین است.

در نهایت، زمان‌بندی تهدیدات و امتیازات اروپا باید با دقت و هوشمندانه باشد. اتحادیه اروپا باید پیشنهادات خود را در زمان‌هایی که ترامپ به یک «پیروزی» برای انحراف افکار عمومی نیاز دارد، ارائه کند و همزمان تهدیدات معتبر برای اقدامات متقابل را حفظ نماید. با توجه به وابستگی اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های کلان اروپا، هرگونه جنگ تجاری می‌تواند برای اتحادیه اروپا زیان‌بار باشد، به‌ویژه در شرایطی که نیاز به سرمایه‌گذاری در بخش دفاعی افزایش یافته است. در این شرایط، بروکسل ممکن است مجبور شود گاهی برخلاف سیاست‌های سنتی خود عمل کند تا از منافع کلان‌تر خود محافظت کند.

صادرات گندم روسیه به رکورد جدیدی رسید

صادرات گندم روسیه علی‌رغم فشارهای اتحادیه اروپا، به رکوردی بی‌سابقه رسیده و جایگاه این کشور را به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گندم در جهان تثبیت کرده است. اتحادیه اروپا با افزایش تعرفه‌های واردات غلات روسیه در تلاش است تا درآمدهای صادراتی مسکو را کاهش دهد و از بی‌ثباتی بازارهای اروپایی ناشی از گندم ارزان روسیه جلوگیری کند. با این حال، مسکو این اقدامات را محکوم کرده و آن‌ها را تلاشی عمدی برای تضعیف اقتصاد خود می‌داند، به همین جهت هشدار داده است که این محدودیت‌ها می‌تواند به ناامنی غذایی جهانی و افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان اروپایی منجر شود. براساس داده‌های منتشرشده، صادرات گندم روسیه در فاصله ژوئیه تا ژانویه به ۳۲,۲ میلیون تن رسیده که نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. مصر همچنان بزرگ‌ترین خریدار گندم روسیه باقی مانده، در حالی که بنگلادش جای ترکیه را به‌عنوان دومین مقصد صادراتی گرفته است. در همین حال، صادرات به ترکیه به پایین‌ترین سطح در هشت سال گذشته رسیده است. علاوه بر این، روسیه با تعیین سهمیه صادرات گندم از فوریه تا ژوئن ۲۰۲۵، در تلاش است تا تعادل عرضه و تقاضای داخلی خود را حفظ کند.

در کنار رشد صادرات، مسکو برنامه کمک‌های غذایی خود را نیز گسترش داده و بخشی از غلات خود را به کشورهای کم‌درآمد آفریقایی اهدا کرده است. این اقدامات، همراه با هدایت صادرات روسیه به خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای مرکزی، نشان‌دهنده تلاش این کشور برای حفظ موقعیت خود در بازارهای جهانی گندم، علی‌رغم فشارهای غرب، است. در فصل کشاورزی گذشته، روسیه با صادرات ۵۵,۳ میلیون تن گندم، سهمی ۲۶,۱ درصدی از بازار جهانی به دست آورد و نقش خود را به‌عنوان بازیگری کلیدی در امنیت غذایی بین‌المللی تقویت کرد.

تحولات منطقه‌ای

آرامکو عربستان از سود خالص ۱۰۶,۲ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۴ خبر داد

شرکت نفتی آرامکو عربستان اعلام کرد که سود خالص این شرکت در سال ۲۰۲۴ به ۱۰۶,۲ میلیارد دلار رسیده است. این میزان سود، با وجود کاهش در مقایسه با سال قبل، همچنان نشان‌دهنده موقعیت قدرتمند آرامکو در بازار جهانی انرژی است. آمارهای منتشرشده توسط بازار مالی عربستان (تداول) نشان می‌دهد که سود خالص آرامکو در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۳، که ۱۲۱,۳ میلیارد دلار بود، کاهش ۱۲,۳۹ درصدی داشته است. آرامکو در بیانیه‌ای اعلام کرد که این کاهش سود تحت تأثیر چندین عامل از جمله کاهش درآمدهای ناشی از فروش نفت، افزایش هزینه‌های عملیاتی، کاهش درآمدهای مالی و کاهش سایر درآمدها بوده است. با این حال، این شرکت تأکید کرد که بخشی از این کاهش از طریق کاهش مالیات بر درآمد و زکات جبران شده است. بر اساس گزارش رسمی، ۲۱,۱۴ میلیارد دلار از مجموع ۲۱,۳۶ میلیارد دلار سود این شرکت مربوط به پرداخت سود سهام پایه بوده و مابقی به عملکرد عملیاتی آرامکو اختصاص دارد. آرامکو همچنان یکی از ۱۰ شرکت بزرگ جهان از نظر ارزش بازار محسوب می‌شود و در سال ۲۰۲۴ در رتبه چهارم جهانی قرار گرفت. با وجود چالش‌های اقتصادی و تغییرات در بازار انرژی، این شرکت همچنان جایگاه خود را به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در صنعت نفت و گاز جهان حفظ کرده است.

توافق جدید ایرباس و امارات

شرکت ایرباس در راستای توسعه فعالیت‌های خود در منطقه خاورمیانه، قصد دارد عملیات تولید قطعات و نگهداری هواپیماهای **A۴۰۰M** را در امارات متحده عربی گسترش دهد. این اقدام که در چارچوب افزایش همکاری‌های صنعتی و ارتقای زنجیره تأمین محلی انجام می‌شود، می‌تواند امارات را به مرکز منطقه‌ای برتر برای صنعت هوانوردی تبدیل کند

گابریل سمیلاس، رئیس ایرباس در منطقه آفریقا و خاورمیانه، در گفت‌وگو با خبرگزاری رسمی امارات تأکید کرد که این پروژه موجب ادغام بیشتر شرکت‌های اماراتی در زنجیره تأمین جهانی خواهد شد. او افزود که شرکت‌هایی مانند "ای بی آی" و "استراتا" نقش کلیدی در این توسعه ایفا خواهند کرد و مشارکت آن‌ها باعث افزایش حضور امارات در صنعت هوانوردی جهانی خواهد شد. ایرباس علاوه بر تولید قطعات هواپیما، قصد دارد مراکز تعمیر و نگهداری هواپیماهای **A۴۰۰M** را در امارات توسعه دهد. این هواپیما که یک نقل و انتقالات نظامی چندمنظوره محسوب می‌شود، دارای قابلیت‌های پیشرفته‌ای در انتقال تجهیزات، نیروها و انجام عملیات در شرایط سخت است. همچنین، ایرباس در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد یک مرکز آموزشی تخصصی در امارات است که به توسعه نیروی انسانی متخصص و افزایش توان فنی این صنعت کمک خواهد کرد. ایرباس متعهد به توسعه مهارت‌های محلی و مشارکت در پژوهش‌های صنعتی به‌منظور پشتیبانی از توسعه صنعت هوایی در امارات است. این شرکت از طریق برنامه‌های آموزشی و تحقیقات صنعتی، در پی گسترش همکاری‌های فناوری و افزایش سطح تخصص نیروهای بومی است. هواپیمای **A۴۰۰M** یکی از پیشرفته‌ترین هواپیماهای نظامی چندمنظوره در جهان است که به‌ویژه برای انتقال تجهیزات سنگین، نیروهای نظامی و عملیات پشتیبانی طراحی شده است. این هواپیما قابلیت پرواز در

مسیرهای طولانی و فرود در شرایط سخت جغرافیایی را دارد، که آن را به گزینه‌ای ایده‌آل برای عملیات نظامی و امدادرسانی تبدیل کرده است. ایرباس به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان هواپیما در جهان، در حال گسترش فعالیت‌های خود در منطقه خاورمیانه و آفریقا است و از امکانات پیشرفته و محیط سرمایه‌گذاری مطلوب امارات بهره می‌برد. طرح تولید قطعات Af40M در امارات بخشی از استراتژی جهانی ایرباس برای توسعه زنجیره تأمین و گسترش همکاری‌های صنعتی در این منطقه محسوب می‌شود. با اجرای این پروژه، امارات می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان یک قطب کلیدی در صنعت هوافضا و نگهداری هواپیماهای نظامی در منطقه تثبیت کند و نقش مؤثری در توسعه تکنولوژی‌های پیشرفته هوانوردی ایفا نماید.

قزاقستان جایگاه خود را به‌عنوان قطب ترانزیتی جهانی تقویت می‌کند

قزاقستان در راستای توسعه شبکه ترانزیتی بین‌المللی و تقویت موقعیت خود به‌عنوان یک هاب لجستیکی منطقه‌ای و جهانی، پروژه‌های مختلفی را برای ایجاد پایانه‌های راهبردی در مراکز کلیدی حمل‌ونقل بین‌المللی آغاز کرده است. این کشور هم‌اکنون پایانه‌های جدیدی را در آذربایجان، روسیه، بلاروس و ازبکستان در دست اجرا دارد و در عین حال، برنامه‌هایی برای ایجاد پایانه‌های مشترک در رومانی، مجارستان و چین دنبال می‌کند. این اقدامات در چارچوب استراتژی کلان قزاقستان برای افزایش ظرفیت ترانزیتی و ارتقای نقش این کشور در زنجیره تأمین جهانی انجام می‌شود. نورژان کلبوگانوف، معاون رئیس کمیته راه‌آهن و حمل‌ونقل آبی وزارت حمل‌ونقل قزاقستان، در نشست خبری ۱۹ فوریه در آستانه اعلام کرد که پایانه‌های مشترک قزاقستان و چین در بندر لیانیونگانگ و بندر خشک شیان فعال هستند.

همچنین، یک شرکت قزاقستانی پایانه‌ای را در بندر پوتی گرجستان احداث کرده است که نقش کلیدی در افزایش حجم ترانزیت قزاقستان در مسیرهای دریای سیاه ایفا خواهد کرد. چندین پایانه جدید در حال توسعه هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پایانه بندر آلات در آذربایجان، ایستگاه سلیاتینو در نزدیکی مسکو، ایستگاه سویسلوچ در بلاروس و پایانه تاشکند در ازبکستان اشاره کرد. برآوردها نشان می‌دهند که ظرفیت ترکیبی این پایانه‌ها بیش از یک میلیون کانتینر در سال خواهد بود. در راستای این برنامه توسعه‌ای، قزاقستان قصد دارد با ایجاد پایانه‌های مشترک در رومانی، مجارستان و اورومچی چین، نقش خود را در شبکه ترانزیتی اوراسیا گسترش دهد. این طرح‌ها ظرفیت پایانه‌های خارجی قزاقستان را چهار برابر افزایش داده و آن را به ۲٫۵ میلیون کانتینر در سال خواهد رساند. نورلان کنسوف، مدیر بخش سیاست‌های حمل‌ونقل وزارت حمل‌ونقل قزاقستان، اعلام کرد که این کشور برنامه‌ریزی کرده است تا حجم ترانزیت خود را تا سال ۲۰۳۰ به ۷۴ میلیون تن افزایش دهد. برای تحقق این هدف، قزاقستان یک شبکه گسترده شامل پنج کریدور ریلی و هشت کریدور جاده‌ای ایجاد کرده است که نقشی کلیدی در افزایش ظرفیت حمل‌ونقل بین‌المللی ایفا می‌کند.

در سال گذشته، بیش از ۳۰ میلیون تن بار از طریق قزاقستان ترانزیت شد که از این میزان، ۴٫۵ میلیون تن از طریق کریدور بین‌المللی ترانس - خزر حمل گردید. حدود ۸۰٪ از کل بارها از طریق راه‌آهن و ۲۰٪ از طریق جاده منتقل شده‌اند، که نشان‌دهنده جایگاه محوری حمل‌ونقل ریلی در شبکه ترانزیتی این کشور است. با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک قزاقستان در مسیرهای تجاری شرق به غرب و شمال به جنوب، این کشور در سال‌های اخیر سیاست‌های گسترده‌ای را برای توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و افزایش تعاملات ترانزیتی با کشورهای منطقه و فراتر از آن اجرا کرده است. برنامه‌های توسعه پایانه‌ها و افزایش ظرفیت ترانزیت، قزاقستان را به یکی از بازیگران کلیدی در زنجیره تأمین جهانی تبدیل کرده و نقش آن را به‌عنوان هاب تجاری و لجستیکی منطقه‌ای تقویت خواهد کرد.

سازمان تجارت جهانی تحقیق درباره تعرفه‌های ترکیه بر خودروهای برقی چینی را آغاز کرد

سازمان تجارت جهانی تحقیقاتی را درباره تعرفه‌های ترکیه بر خودروهای برقی چینی آغاز کرده است، اقدامی که در پی درخواست رسمی چین برای بررسی سیاست‌های تجاری آنکارا صورت گرفته است. ترکیه در ژوئن ۲۰۲۴ اعلام کرد که از ابتدای ۲۰۲۵ تعرفه اضافی ۴۰ درصدی بر واردات خودروهای برقی چینی اعمال خواهد کرد و در کنار آن، محدودیت‌های جدیدی برای ورود خودروهای هیبریدی شارژی (PHEVs) وضع می‌شود. این تصمیم واکنش شدید چین را در پی داشت، به طوری که وزارت بازرگانی این کشور در ژانویه ۲۰۲۵ خواستار تشکیل یک هیئت کارشناسی از سوی سازمان تجارت جهانی شد. چین این تعرفه‌ها را تبعیض‌آمیز و مغایر با مقررات WTO دانسته و تأکید کرده است که این سیاست‌ها ماهیت حمایت‌گرایانه دارد و رقابت آزاد را محدود می‌کند.

نمایندگی دیپلماتیک چین در بیانیه‌ای اعلام کرد: «اقدامات ترکیه ناقض قوانین تجارت جهانی بوده و باید اصلاح شود.» در ادامه این سیاست‌های تجاری، ترکیه تعرفه واردات خودروهای بنزینی و هیبریدی چینی را نیز افزایش داده و از ابتدای ژانویه ۲۰۲۵، تعرفه این خودروها از ۴۰٪ به ۵۰٪ افزایش یافته است که در مجموع، حقوق گمرکی این دسته از خودروها را به ۶۰٪ می‌رساند. کارشناسان صنعت خودرو پیش‌بینی می‌کنند که این اقدامات بیش‌ترین تأثیر را بر برندهای چینی مانند چری (Chery) و ام‌جی (MG) خواهد داشت که در سال‌های اخیر سهم قابل توجهی از بازار ترکیه را به دست آورده‌اند. در شرایطی که اختلافات تجاری میان دو کشور شدت گرفته، انتظار می‌رود سازمان تجارت جهانی در ماه‌های آینده نتایج بررسی‌های خود را منتشر کرده و تصمیمات جدیدی در این زمینه اتخاذ کند.

تقویت همکاری‌های اقتصادی قطر و ترکیه

نخستین نشست کمیته مالی و اقتصادی مشترک قطر و ترکیه اخیراً در استانبول برگزار شد، که در آن مقامات عالی‌رتبه دو کشور از جمله علی بن احمد الکواری، وزیر دارایی قطر و محمد شیمشک، وزیر خزانه‌داری و دارایی ترکیه، حضور داشتند. این نشست با هدف گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تبادل تجربیات و تقویت سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه برگزار شد. در این جلسه، راهکارهای تقویت روابط مالی و اقتصادی دو کشور و تدابیر لازم برای توسعه این همکاری‌ها مورد بحث قرار گرفت. وزیر دارایی قطر در این نشست بر اهمیت شراکت استراتژیک دو کشور تأکید کرد و گفت: «این نشست بخشی از تعهد قطر برای بهبود فضای کسب‌وکار و تقویت همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های مالی و اقتصادی است که منافع متقابل را برای هر دو کشور به همراه دارد.» همچنین، کمیته مالی و اقتصادی مشترک قطر و ترکیه به بررسی پروژه‌های اقتصادی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری پرداخته و بر لزوم افزایش تعاملات اقتصادی و تبادل هیئت‌های تجاری تأکید کردند. نقش اصلاحات اقتصادی در تنوع‌بخشی به اقتصاد دو کشور و توسعه همکاری‌های استراتژیک در حوزه‌های کلیدی نیز یکی از موضوعات مهم این نشست بود. روابط اقتصادی قطر و ترکیه در سال‌های اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. براساس آمارهای رسمی، حجم تبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۲۳ به ۱٫۳ میلیارد دلار رسید و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم قطر در ترکیه

بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این نشست گامی مهم در راستای توسعه بیش‌تر همکاری‌های اقتصادی و مالی بین دو کشور بود و انتظار می‌رود که موجب افزایش تبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک شود.

بررسی راه‌های گسترش همکاری اقتصادی قطر و بریتانیا در جذب سرمایه‌گذاری

قطر و بریتانیا در نشستی مشترک به بررسی راهکارهای توسعه همکاری‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی پرداختند. این نشست در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۲۵ در منطقه آزاد راس بوفنتاس برگزار شد و با حضور شیخ محمد بن حمد آل ثانی، رئیس اجرایی سازمان مناطق آزاد قطر، و بارونس بویی گوستافسون، وزیر سرمایه‌گذاری بریتانیا، همراه بود. هدف این نشست تسهیل سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی در قطر و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور بود. در این جلسه، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد قطر و مزایای رقابتی این مناطق که از زیرساخت‌های پیشرفته و سیاست‌های حمایتی دولت بهره‌مند هستند، به هیئت بریتانیایی معرفی شد. نیرو پاتل، سفیر بریتانیا در قطر، و مدیران ارشد سازمان مناطق آزاد قطر نیز در این نشست حضور داشتند و پس از آن هیئت بریتانیایی از مجتمع تجاری و نوآوری منطقه آزاد راس بوفنتاس بازدید کردند تا از نزدیک با فرصت‌های موجود آشنا شوند. سرمایه‌گذاری‌های قطر در اقتصاد بریتانیا بیش از ۴۰ میلیارد پوند (۵۰٫۷ میلیارد دلار) برآورد شده است و قطر اعلام کرده که تا سال ۲۰۲۷، ۱۰ میلیارد پوند (حدود ۱۳ میلیارد دلار) دیگر در بریتانیا سرمایه‌گذاری خواهد کرد. علاوه بر این، دو کشور بر سر سرمایه‌گذاری ۱٫۳ میلیارد دلاری در حوزه فناوری‌های زیست‌محیطی و اقلیمی به توافق رسیده‌اند. قطر و بریتانیا روابط دیرینه‌ای دارند و در دهه‌های اخیر، این روابط به مشارکت‌های استراتژیک در حوزه‌های اقتصادی و تجاری گسترش یافته است. قطر هم‌اکنون به یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد بریتانیا تبدیل شده است.

تأیید رتبه اعتباری قزاقستان با چشم‌انداز باثبات توسط S&P

آژانس بین‌المللی S&P Global Ratings رتبه اعتباری بلندمدت قزاقستان را در سطح «BBB» و کوتاه‌مدت آن را در سطح «A - ۳» با چشم‌انداز باثبات تأیید کرد، با وجود افزایش فشارهای مالی که بر اقتصاد این کشور تأثیر گذاشته است. براساس گزارش منتشرشده در ۲۱ فوریه، تحلیلگران S&P تأکید کرده‌اند که این رتبه‌بندی نشان‌دهنده ترازنامه مالی قوی و ذخایر ارزی مستحکم قزاقستان است که همچنان به‌عنوان سپر محافظتی در برابر شوک‌های اقتصادی خارجی عمل می‌کند. باین‌حال، آژانس هشدار داده است که افزایش بدهی داخلی و وابستگی بیش‌ازحد به صندوق ملی برای جبران کسری بودجه ممکن است در میان‌مدت فشارهای مالی را تشدید کند.

صندوق ملی قزاقستان، که در سال ۲۰۰۰ با هدف ذخیره درآمدهای حاصل از منابع نفت و گاز تأسیس شد، از سال ۲۰۲۶ با محدودیت‌های جدیدی برای برداشت منابع مواجه خواهد شد تا فشارهای مالی کاهش یابد. S&P پیش‌بینی کرده است که بدهی خالص دولت تا سال ۲۰۲۸ به ۱۲٪ از تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت، درحالی‌که در سال ۲۰۲۲ قزاقستان تقریباً در وضعیت خالص دارایی قرار داشت. در بخش اقتصادی، S&P اعلام کرد که اقتصاد قزاقستان در سال ۲۰۲۴ انعطاف‌پذیر باقی ماند و پیش‌بینی می‌شود رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۵ به ۴٫۹٪ برسد که عمدتاً به دلیل افزایش

تولید نفت در میدان تنگیز خواهد بود. با وجود سهمیه‌بندی تولید اوپک پلاس (+OPEC)، انتظار می‌رود تولید نفت قزاقستان از ۸۸ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ به ۹۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۵ و ۱۰۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۷ افزایش یابد. باین حال، وابستگی بالای قزاقستان به صادرات نفت، به‌ویژه از طریق خط لوله کنسرسیوم کاسپین (CPC)، همچنان یک نقطه ضعف کلیدی محسوب می‌شود. ۸۰٪ از صادرات نفت این کشور از طریق روسیه به بازارهای اروپایی منتقل می‌شود و هرگونه اختلال در این مسیر، مانند حملات پهبادی اخیر به تأسیسات CPC، می‌تواند تولید و صادرات نفت را تحت تأثیر قرار دهد.

در حوزه مالی، S&P گزارش داده است که کاهش قیمت نفت، معافیت‌های مالیاتی گسترده و ضعف در برآوردهای بودجه‌ای موجب افزایش کسری مالی قزاقستان در سال ۲۰۲۴ شده است. این کسری به ۴,۳٪ از تولید ناخالص داخلی رسیده، در حالی که رقم رسمی اعلام‌شده از سوی دولت ۲,۷٪ بوده است. S&P دلیل این اختلاف را حذف انتقالات مالی از صندوق ملی از محاسبات درآمدی خود اعلام کرده است.

همچنین، به‌منظور جبران کاهش درآمدهای مالیاتی، صندوق ملی قزاقستان انتقالات ویژه‌ای را به دولت ارائه کرده است که از طریق سود سهام صندوق ثروت ملی سمرک کزینا (Samruk Kazyna) تأمین شد. در خصوص سیاست‌های مالی آینده، انتظار می‌رود که دولت قزاقستان از سال ۲۰۲۵ با کاهش رشد هزینه‌های دولت، گسترش پایه مالیاتی و اعمال محدودیت‌های بیش‌تر بر انتقالات مالی صندوق ملی، کسری بودجه را تا سال ۲۰۲۸ به ۳,۷٪ کاهش دهد. همچنین، دولت قصد دارد انتقال‌های مالی استثنایی از صندوق ملی را حذف کند و میزان انتقالات هدفمند را علاوه بر محدودیت‌های فعلی بر انتقالات تضمین‌شده، کاهش دهد. این اصلاحات می‌تواند به افزایش ثبات مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بلندمدت کمک کند و جایگاه قزاقستان را به‌عنوان یک اقتصاد نوظهور با سیاست‌های مالی پایدار در منطقه تقویت کند.

سرمایه‌گذاری مشترک ترکیه و چین برای تقویت تجارت در سین‌کیانگ

در راستای توسعه همکاری‌های اقتصادی میان ترکیه و چین، دولت‌های دو کشور توافق کرده‌اند که یک شرکت سرمایه‌گذاری مشترک با هدف تقویت تجارت در منطقه خودمختار اویغور سین‌کیانگ تأسیس کنند. شرکت China - Türkiye Lecanrong (Xinjiang) Trade Development Inc در مراسمی رسمی در شهر اورومچی معرفی شد. این اقدام بخشی از تلاش‌های ترکیه برای توسعه روابط تجاری با چین و بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه سین‌کیانگ است.

محمود گورجان، معاون وزیر تجارت ترکیه، در مراسم افتتاح این شرکت و افتتاح مرکز تجارت چین - ترکیه در منطقه آزاد تجاری اورومچی شرکت کرد. این مرکز با حمایت دولت منطقه خودمختار اویغور سین‌کیانگ و به همت انجمن توسعه کسب‌وکار و دوستی چین تأسیس شده است. هدف آن، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری بین دو کشور است.

در جریان مراسم، گورجان بر تعهد ترکیه به گسترش روابط تجاری با چین تأکید کرده و این همکاری را بخشی از استراتژی «کشورهای دوردست» ترکیه دانست که هدف آن افزایش تعاملات اقتصادی با بازارهای بین‌المللی است. وی همچنین به ظرفیت‌های همکاری در حوزه‌های گردشگری، لجستیک، آموزش و صنایع خلاق اشاره کرده و موقعیت جغرافیایی استراتژیک ترکیه، نیروی کار جوان و پویا، ظرفیت تولید قوی و توافق اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا را از عوامل مهم جذب

سرمایه‌گذاری‌های خارجی برشمرده. پس از مراسم، گورجان از نمایشگاهی که محصولات ترکیه‌ای را به بازار چین معرفی می‌کرد، بازدید کرده و گزارشی از مقامات مسئول دریافت کرد. همچنین، معاون وزیر تجارت ترکیه همراه با اسماعیل حقی موسی، سفیر ترکیه در پکن، با مقامات ارشد منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ از جمله ما شینگروی، دبیر حزب کمونیست سین کیانگ، و ارکین تونیز، رئیس دولت منطقه‌ای، دیدار و گفت‌وگو کرد. در این نشست‌ها، دو طرف به بررسی فرصت‌های همکاری پرداخته و حوزه‌های بالقوه برای ایجاد مشارکت‌های سودمند متقابل را مورد بحث قرار دادند. همچنین، طرفین بر لزوم برداشتن گام‌های مشخص برای توسعه همکاری در بخش‌های کلیدی و استراتژیک از جمله اقتصاد، تجارت، فرهنگ و فناوری، متناسب با تغییرات جهانی، توافق کردند.

جهش پنج برابری سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های ترکیه

حجم کل سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در اکوسیستم استارت‌آپ‌های ترکیه، از جمله خرید و ادغام شرکت‌ها، در سال ۲۰۲۴ به رکورد بی‌سابقه ۲٫۶ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده رشد ۴۲۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ و افزایش پنج برابری نسبت به ۴۹۷ میلیون دلار سال گذشته است. این جهش در سرمایه‌گذاری‌ها در شرایطی رخ داده است که تنش‌های ژئوپلیتیکی جهانی، عدم اطمینان‌های اقتصاد کلان و برگزاری انتخابات مهم، چشم‌انداز اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده بودند. با این حال، تعداد معاملات سرمایه‌گذاری نیز همگام با رشد ارزش سرمایه‌گذاری افزایش یافته و از ۲۹۷ مورد در سال ۲۰۲۳ به ۳۳۱ مورد در سال ۲۰۲۴ رسیده است.

در این میان، بیش‌ترین حجم سرمایه‌گذاری‌ها مربوط به خرید شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مرحله نهایی بوده که مجموعاً در ۲۸۰ معامله، حدود ۲٫۳ میلیارد دلار از کل سرمایه‌گذاری‌ها را به خود اختصاص داده است. بخش فناوری مالی (فین‌تک) بیش‌ترین میزان سرمایه‌گذاری را با ۳۱ معامله به خود اختصاص داد و پس از آن، زیست‌فناوری (۲۸ معامله) و هوش مصنوعی (۲۵ معامله) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

بزرگ‌ترین معامله سال ۲۰۲۴ مربوط به فروش بیش از ۶۵٪ از سهام شرکت تجارت الکترونیک ترکیه، هپسی‌بورادا (Hepsiburada)، به شرکت قزاقستانی Kaspikz بود که با ارزش ۱٫۱ میلیارد دلار انجام شد. پس از آن، شرکت آمریکایی General Atlantic، استارت‌آپ نرم‌افزار به‌عنوان سرویس (SaaS) ترکیه، Insider را به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار خریداری کرد و در رتبه سوم، استارت‌آپ لجستیکی Getir با سرمایه‌گذاری ۲۵۰ میلیون دلاری شرکت سرمایه‌گذاری اماراتی Mubadala قرار گرفت. در میان سایر معاملات مهم، تمامی سهام شرکت فین‌تک Paynet به ارزش ۸۷ میلیون دلار توسط شرکت پرداخت ترکیه‌ای iyzico خریداری شد و استارت‌آپ بازی‌های موبایلی Paxie Games نیز به ارزش ۶۷ میلیون دلار توسط شرکت کره‌ای DoubleU Games تصاحب شد. همچنین، شرکت پهپادسازی Altinay Defense توانست ۵۸٫۵ میلیون دلار از سرمایه‌گذاران عمومی جذب کند، در حالی که استارت‌آپ بازی‌های موبایلی Spyke Games نیز ۵۰ میلیون دلار سرمایه از شرکت Moon Active اسرائیل در ازای ۱۵٫۹٪ از سهام خود دریافت کرد. علاوه بر این، استارت‌آپ حمل‌ونقل BinBin با جمع‌آوری ۴۵٫۷ میلیون دلار از سرمایه‌گذاران عمومی به رشد خود ادامه داد، استارت‌آپ فین‌تک Midas نیز ۴۵ میلیون دلار از سرمایه‌گذاران کانادایی، آمریکایی، آلمانی و ترکیه‌ای جذب کرد و ۶۵٪ از سهام استارت‌آپ SaaS ترکیه‌ای Bulutistan توسط شرکت هلندی Dx BV به ارزش ۳۹ میلیون دلار خریداری شد. این رشد چشمگیر در حجم و ارزش سرمایه‌گذاری‌های استارت‌آپی نشان‌دهنده افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی به اکوسیستم نوآوری و فناوری

ترکیه است، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند فین‌تک، زیست‌فناوری و هوش مصنوعی، که از ظرفیت‌های بالایی برای رشد در بازارهای جهانی برخوردارند.

افتتاح دفتر منطقه‌ای بوش در عربستان، گامی در راستای توسعه همکاری‌های اقتصادی

شرکت «بوش»، یکی از پیشگامان جهانی در حوزه فناوری و خدمات، دفتر منطقه‌ای جدید خود را در عربستان سعودی افتتاح کرد. این اقدام در راستای توسعه فعالیت‌های تجاری و صنعتی شرکت در منطقه خاورمیانه و بهره‌برداری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این کشور صورت گرفته است. مراسم افتتاحیه با حضور شرکای تجاری و نمایندگان نهادهای دولتی برگزار شد و بر اهمیت نقش شرکت بوش در توسعه حمل‌ونقل، فناوری صنعتی، کالاهای مصرفی، انرژی و فناوری‌های ساختمانی تأکید شد. پیر یوهانسون، معاون رئیس و عضو هیئت‌مدیره بوش، این سرمایه‌گذاری را بخشی از استراتژی جهانی شرکت برای گسترش حضور در اقتصادهای نوظهور دانسته و اظهار داشت که رویکرد توسعه‌محور و سیاست‌های تحول‌آفرین عربستان فضای مناسبی برای رشد و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت فراهم کرده است. حنین الصالح، مدیرکل دفتر منطقه‌ای شرکت بوش در عربستان، نیز تأکید کرد که استراتژی بوش برای رشد و توسعه پایدار کاملاً با اهداف عربستان برای ایجاد یک اقتصاد متنوع و نوآورانه همسو است.

این اقدام در راستای سیاست‌های عربستان برای جذب شرکت‌های بین‌المللی و افزایش فرصت‌های شغلی و اقتصادی در این کشور است. دولت عربستان در سال ۲۰۲۱ اعلام کرده بود که از ابتدای ژانویه ۲۰۲۴، قراردادهای دولتی تنها به شرکت‌هایی اعطا خواهد شد که دفتر منطقه‌ای خود را در عربستان مستقر کرده باشند. این سیاست با هدف جذب سرمایه‌گذاران خارجی و افزایش جذابیت اقتصادی کشور اجرا شده است. در همین راستا، خالد الفالح، وزیر سرمایه‌گذاری عربستان، اعلام کرده است که تاکنون بیش از ۶۰۰ شرکت بین‌المللی مقرهای منطقه‌ای خود را به عربستان منتقل کرده‌اند، در حالی که پیش از اجرای این سیاست، تنها ۵ شرکت چنین اقدامی انجام داده بودند. افتتاح دفتر منطقه‌ای شرکت بوش در عربستان سعودی نشان‌دهنده افزایش جذابیت این کشور به‌عنوان یک قطب سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و تمایل شرکت‌های بین‌المللی برای گسترش فعالیت‌های خود در این بازار در حال رشد است.

عربستان تولید خرما را به بیش از ۱,۹ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ افزایش داد

وزارت محیط زیست، آب و کشاورزی عربستان سعودی اعلام کرد که تولید خرما در این کشور طی سال ۲۰۲۴ از ۱,۹ میلیون تن فراتر رفته است، که علاوه بر تأمین نیاز داخلی، امکان صادرات گسترده به بازارهای منطقه‌ای و جهانی را نیز فراهم کرده است. این میزان تولید، سطح خودکفایی عربستان در تولید خرما را به ۱۱۹ درصد رسانده و موقعیت این کشور را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان جهانی این محصول استراتژیک تقویت کرده است.

وزارت محیط زیست، آب و کشاورزی در بیانیه‌ای که روز شنبه منتشر شد، تأکید کرد که خرما یکی از ارکان امنیت غذایی در عربستان محسوب می‌شود و سطح تولید در سال ۲۰۲۴ مشابه میزان تولید سال ۲۰۲۳ بوده و همچنان کمتر از دو میلیون تن

باقی مانده است. با این حال، صادرات و باصادرات خرما به ۳۵۱ هزار تن رسید، در حالی که میزان واردات به عربستان تنها ۹۵۲ تن بوده است، که نشان از مازاد تولید و توان صادراتی بالای این کشور دارد.

بر اساس آخرین آمارهای رسمی، تعداد درختان نخل در سراسر عربستان به ۳۷,۱ میلیون اصله رسیده که از این تعداد، ۳۱,۸ میلیون درخت مثمر هستند. منطقه القصیم همچنان پیشتاز تولید خرما در کشور بوده و با ۱۰,۷ میلیون درخت نخل مثمر، حدود ۳۰ درصد از کل تولید ملی را تأمین می‌کند. این منطقه به‌عنوان یکی از مراکز کلیدی تولید خرما، نقش مهمی در توسعه صنعت نخلستان‌ها و افزایش صادرات این محصول دارد.

با توجه به رشد پایدار تولید خرما در عربستان و افزایش مازاد صادراتی، این کشور در حال تثبیت موقعیت خود به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی تأمین خرما در بازارهای جهانی است. با استراتژی توسعه پایدار در بخش کشاورزی، عربستان می‌تواند بیشترین بهره را از تقاضای جهانی برای خرما ببرد و سهم بیشتری از بازارهای بین‌المللی را به خود اختصاص دهد.

پژوهش‌های تازه

تأثیر تجارت بر رفاه: تحلیل بازارهای نوظهور در شرق آسیا و شرق آفریقا (۱۹۹۵-۲۰۲۱)

با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، اثرات تجارت بر رفاه اقتصادی کشورها دوباره به محلی برای شک و تردیدهای جدی تبدیل شد. اخیراً، بانک جهانی گزارشی تحقیقی منتشر کرده است که تأثیرات تجارت بر رفاه اقتصادی در کشورهای شرق آسیا و شرق آفریقا را بررسی کرده است. براساس این گزارش، تجارت یکی از عوامل اصلی در بهبود رفاه اقتصادی است که نه تنها بر رفاه مصرف‌کنندگان بلکه بر رشد صنعتی نیز تأثیرگذار است. افزایش تنوع کالاهای وارداتی، امکان دسترسی مصرف‌کنندگان به محصولات متنوع‌تر و با قیمت‌های رقابتی‌تر را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با استفاده از نهاده‌های باکیفیت‌تر بهره‌وری خود را افزایش دهند. این گزارش تأثیر تجارت بر رفاه را در ۲۸ اقتصاد نوظهور و درحال توسعه (EMDEs) در شرق آسیا و شرق آفریقا بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ تحلیل کرده است. همچنین، به بررسی مزایای افزایش تنوع واردات، نقش آزادسازی تجاری و پیشنهادهای سیاستی برای بهره‌برداری بهینه از مزایای تجارت پرداخته است.

یکی از مهم‌ترین مزایای تجارت، افزایش تنوع واردات است که باعث کاهش قیمت‌ها، افزایش رقابت و بهبود کیفیت محصولات می‌شود و در نهایت رفاه اقتصادی را افزایش می‌دهد. مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای آفریقایی به‌طور متوسط ۵,۴۷٪ از تولید ناخالص داخلی (GDP) خود را از طریق افزایش تنوع واردات به دست آورده‌اند که معادل ۰,۲۰٪ در سال است. در مقابل، کشورهای آسیایی (به استثنای بوتان) ۳,۴۶٪ از GDP خود را از تجارت به دست آورده‌اند که معادل ۰,۱۳٪ در سال است. این تفاوت میان مناطق نشان می‌دهد که میزان گشودگی تجاری ممکن است در افزایش رفاه اقتصادی برخی از کشورهای آفریقایی تأثیر بیشتری داشته باشد.

در میان کشورهای مورد بررسی، بوتان، مغولستان، رواندا و موزامبیک بالاترین میزان افزایش رفاه را تجربه کرده‌اند. بوتان با ۴۰,۲۵٪ از GDP در صدر قرار دارد، درحالی‌که مغولستان با ۱۶,۴۷٪ و رواندا با ۱۱,۶۳٪ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این ارقام نشان می‌دهند که اقتصادهای کوچک‌تر که به‌شدت به تجارت وابسته هستند، به‌دلیل وابستگی بیشتر به بازارهای خارجی، بیش‌ترین منافع را از افزایش تنوع واردات به دست می‌آورند.

تأثیر تنوع واردات بر رفاه به میزان زیادی به کشش جانشینی بستگی دارد که نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان تا چه حد می‌توانند بین انواع مختلف یک محصول جایگزین انتخاب کنند. این مطالعه بیش از ۱۰۰,۰۰۰ برآورد از کشش جانشینی را در سطح شش‌رقمی سیستم هماهنگ شده (HS) ارائه داده است که میانگین آن ۱۳,۰ و میانه آن ۴,۱ است. کشش پایین‌تر نشان‌دهنده تمایز بیشتر کالاها است، که به معنای مزایای رفاهی بالاتر از افزایش تنوع واردات می‌باشد. کشورهایی که دارای کشش جانشینی پایین هستند، از افزایش تجارت بیش‌ترین سود را می‌برند، زیرا اقتصاد آن‌ها به واردات محصولات خاص و متمایز متکی است. این یافته‌ها بر اهمیت تنوع تجاری تأکید دارند، زیرا تمایز بیشتر محصولات به بهبود کلی رفاه کمک می‌کند.

در اکثر کشورهای مورد مطالعه، تعداد کالاهای وارداتی طی دوره بررسی به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است. بوتان شاهد افزایش ۱۹۶ درصدی در تعداد کالاهای وارداتی و ۹۷٪ افزایش در تنوع آن‌ها بوده است، درحالی‌که رواندا افزایش ۳۶۸ درصدی و مغولستان افزایش ۳۸۸ درصدی را تجربه کرده‌اند. به‌طور میانگین، کشورهای آفریقایی ۳,۶۵ برابر و کشورهای آسیایی ۳,۳۷ برابر رشد در تنوع واردات داشته‌اند. این گسترش سریع نشان‌دهنده نقش مهم تجارت در افزایش کارایی بازار و تنوع انتخاب‌های مصرف‌کننده در اقتصادهای درحال توسعه است. یکی از عوامل کلیدی که بر مزایای رفاهی ناشی از تجارت تأثیر می‌گذارد، سهم واردات از تولید ناخالص داخلی است. کشورهایی که نسبت بالاتری از واردات به GDP دارند، معمولاً افزایش رفاهی بیشتری را از تجارت تجربه می‌کنند. میانگین سهم واردات از GDP در کشورهای نمونه ۴۱٪ بوده است و کشورهایی مانند بوتان (۴۶٪) که سهم بالاتری دارند، مزایای رفاهی بیشتری از تجارت به دست آورده‌اند.

اقتصادهای شرق آسیا همواره از تجارت به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند. افزایش تنوع واردات در این منطقه تأثیرات مثبت متعددی بر رفاه اقتصادی داشته است. یکی از اولین مزایای این تغییرات، افزایش رفاه مصرف‌کنندگان است، زیرا دسترسی به گزینه‌های بیشتر باعث کاهش قیمت‌ها و بهبود کیفیت محصولات می‌شود. همچنین، آزادسازی تجاری موجب افزایش بهره‌وری و رشد صنعتی از طریق دسترسی به نهاده‌های باکیفیت خارجی شده است. یکی از عوامل اصلی که باعث افزایش رفاه ناشی از تجارت در شرق آسیا شده، سیاست‌های آزادسازی تجاری بوده است. بسیاری از کشورهای منطقه به‌طور فعال به عضویت سازمان تجارت جهانی و توافقات تجاری منطقه‌ای پیوسته‌اند که این امر، دسترسی به بازارهای جدید و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) را تسهیل کرده است. این سیاست‌ها به شرکت‌های محلی کمک کرده‌اند تا در زنجیره‌های تأمین جهانی ادغام شوند و به این ترتیب ثبات اقتصادی بلندمدت را تضمین کنند.

این مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های قیمت واردات سنتی اغلب قادر به ثبت مزایای ناشی از ظهور و ناپدید شدن گونه‌های جدید کالا نیستند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که روش‌های سنتی معمولاً میزان تورم را بیش از حد برآورد می‌کنند و در نتیجه، منافع واقعی رفاهی ناشی از تجارت را کم‌تر از حد واقعی نمایش می‌دهند. سوگیری در شاخص‌های قیمت برای کشورهای آفریقایی ۲۹,۷٪ و برای کشورهای آسیایی ۱۴,۹٪ بوده است، که این امر نشان می‌دهد برای اندازه‌گیری دقیق تأثیر تجارت بر رفاه، ضروری است که تنوع کالاهای جدید نیز در نظر گرفته شود.

باتوجه به مزایای گسترده رفاهی ناشی از تجارت، سیاست‌گذاران باید بر توسعه استراتژی‌هایی تمرکز کنند که این مزایا را به حداکثر برسانند. یکی از توصیه‌های اصلی، تسریع در آزادسازی تجاری از طریق کاهش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای است.

آزادسازی بیش‌تر تجارت نه تنها امکان تنوع بیش‌تر واردات را فراهم می‌آورد بلکه رقابت در بازار را نیز تقویت می‌کند و به بهبود کیفیت کالاها می‌انجامد. در کنار این، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تجاری و لجستیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بهبود شبکه‌های حمل‌ونقل، ارتقاء بنادر و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال می‌تواند هزینه‌های تجاری را کاهش دهد و دسترسی شرکت‌ها به بازارهای جهانی را تسهیل کند.

به‌علاوه، حمایت از صنایع تولیدی با کالاهای متمایز و با ارزش افزوده بالا، همراه با تشویق به تنوع وارداتی، می‌تواند ظرفیت رقابتی کشورها را افزایش دهد و منجر به رشد پایدار شود. در نهایت، به‌گفته گزارش، تجارت به‌عنوان یک مکانیزم کلیدی برای ارتقای رفاه اقتصادی در کشورهای نوظهور عمل می‌کند، به‌ویژه از طریق افزایش تنوع واردات. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که کشورهایی که از تجارت آزادتر و تنوع بیش‌تری در واردات برخوردارند، در مقایسه با دیگر کشورها، رفاه اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند. کشورهای شرق آسیا نمونه موفق‌تری از این روند هستند که از تجارت برای رشد اقتصادی و بهبود رفاه مصرف‌کنندگان خود بهره برده‌اند. با ادامه سیاست‌های آزادسازی تجاری، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اتخاذ استراتژی‌های متنوع‌سازی، کشورها قادر خواهند بود تا مزایای بلندمدت جهانی‌شدن را به بیش‌ترین حد ممکن برسانند.

آیا ایالات متحده و چین در مسیر گسست اقتصادی قرار دارند؟

در سال‌های اخیر، تنش‌های ژئوپلیتیکی، اختلافات تجاری و اختلالات در زنجیره‌های تأمین تغییرات چشمگیری در الگوهای تجارت جهانی، به‌ویژه بین ایالات متحده و چین، ایجاد کرده‌اند. با روی کار آمدن دونالد ترامپ، احتمال تشدید تنش‌های تجاری بین این دو کشور به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافت. جنگ تجاری ایالات متحده و چین که از سال ۲۰۱۸ با اعمال تعرفه‌های متقابل آغاز شد، تأثیرات گسترده‌ای بر زنجیره‌های تأمین جهانی و روابط تجاری میان دو کشور داشت. مطالعه جدید UNCTAD به بررسی الگوهای تنوع‌بخشی واردات ایالات متحده بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه ایالات متحده به تدریج وابستگی خود به واردات از چین را کاهش داده است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که سایر کشورها چگونه توانسته‌اند از این تغییرات بهره‌برداری کنند. این تحقیق بینش‌های مهمی را در مورد عوامل محرک تنوع‌بخشی واردات، نقش سیاست‌های تجاری و عوامل اقتصادی که به برخی کشورها این امکان را داده تا از تغییرات در صحنه تجاری جهانی بهره‌مند شوند، ارائه می‌دهد.

بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲، سهم چین از واردات کالایی ایالات متحده (به‌استثنای سوخت) به‌طور چشمگیری کاهش یافت و از ۲۵٪ به کمتر از ۲۰٪ رسید، که معادل افتی ۵٫۴ واحد درصدی است. این کاهش در همه بخش‌های اقتصادی یکسان نبود؛ در حوزه‌های حیاتی مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، سهم چین از بازار ایالات متحده با افتی ۱۶٫۵ واحد درصدی روبه‌رو شد. سایر صنایع، از جمله منسوجات و پوشاک، نیز کاهش‌های قابل‌توجهی را تجربه کردند، به‌گونه‌ای که سهم بازار چین در این بخش‌ها ۱۱٫۶ واحد درصد کاهش یافت. دلیل اصلی این افت، اعمال تعرفه‌های اضافی تحت «بخش ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده» بود که طیف وسیعی از محصولات چینی را هدف قرار داد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد محصولاتی که تحت تعرفه ۲۵٪ قرار گرفتند، به‌طور میانگین ۷ واحد درصد از سهم بازار خود را از دست دادند، درحالی‌که

محصولاتی با تعرفه ۷,۵٪ با کاهش ۴ واحد درصدی مواجه شدند. در مقابل، کالاهایی که مشمول تعرفه‌های جدید نشدند، تغییر محسوسی در سهم بازار خود تجربه نکردند، که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم سیاست‌های تعرفه‌ای بر کاهش وابستگی ایالات متحده به واردات از چین است.

شاخص تمرکز واردات ایالات متحده، که با شاخص هرشندال - هیرشمن (HHI) اندازه‌گیری می‌شود، طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ حدود ۱۵٪ کاهش یافت. این تغییر نشان‌دهنده گسترش تنوع منابع وارداتی و کاهش وابستگی به یک تأمین‌کننده واحد است. هرچند این روند عمدتاً ناشی از کاهش وابستگی به چین بود، اما تنوع‌بخشی واردات از سایر شرکای تجاری نیز به آن کمک کرد. نکته قابل‌توجه این است که کاهش سهم چین از بازار ایالات متحده گسترده‌تر از حد انتظار بود، به طوری که حتی محصولاتی که در سال ۲۰۱۷ سهم بازار چین در آن‌ها نسبتاً کم بود، نیز تحت تأثیر قرار گرفتند. برای مثال، در کالاهایی که چین در سال ۲۰۱۷، ۴۰٪ سهم بازار داشت، این سهم تا سال ۲۰۲۲، ۱۰ واحد درصد کاهش یافت. در مقابل، کاهش‌های معنادار در سهم بازار سایر کشورها تنها زمانی مشاهده شد که سهم اولیه آن‌ها بیش از ۵۰٪ بود. این روند نشان می‌دهد که استراتژی تنوع‌بخشی ایالات متحده بیش‌تر بر کاهش وابستگی به چین متمرکز بوده است تا بر کاهش کلی ریسک‌های زنجیره تأمین. این یافته‌ها حاکی از آن است که سیاست‌گذاران آمریکایی، به‌جای تلاش برای توزیع متوازن‌تر واردات، عمدتاً به دنبال کاهش نفوذ چین در زنجیره تأمین خود بوده‌اند.

کاهش سهم بازار چین فرصت‌هایی را برای سایر کشورها ایجاد کرد تا صادرات خود به ایالات متحده را افزایش دهند. کشورهایی که بیش‌ترین بهره را از این انحراف تجاری بردند، اقتصادهای جنوب‌شرقی آسیا و مکزیک بودند. ویتنام به‌عنوان بزرگ‌ترین بهره‌بردار ظاهر شد و ۴,۴ واحد درصد افزایش سهم بازار داشت، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند منسوجات، پوشاک و ICT. تایوان و مکزیک نیز افزایش‌های قابل‌توجهی در سهم بازار خود تجربه کردند، به طوری که سهم بازار تایوان ۲ واحد درصد و سهم بازار مکزیک ۱,۱ واحد درصد افزایش یافت. در محصولات حیاتی ICT، تایوان، ویتنام و مکزیک بیش‌ترین بهره را بردند و به ترتیب ۶٪، ۶٪ و ۱,۱٪ افزایش سهم بازار داشتند. این افزایش‌ها ناشی از رقابت‌پذیری اقتصادی و مزایای سیاست‌های تجاری، مانند تعرفه‌های پایین‌تر تحت توافق تجاری ایالات متحده - مکزیک - کانادا (USMCA) بود.

اعمال تعرفه‌های اضافی بر کالاهای چینی تحت بخش ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده نقش اساسی در کاهش سهم بازار چین و تغییر مسیر زنجیره‌های تأمین جهانی ایفا کرد. شدت این کاهش به میزان تعرفه‌های اعمال‌شده بستگی داشت؛ به طوری که محصولاتی که تحت تعرفه ۲۵٪ قرار گرفتند، بیش‌ترین کاهش سهم بازار را تجربه کردند. محصولاتی با تعرفه‌های پایین‌تر (۷,۵٪)، کاهش کم‌تری را شاهد بودند. در این میان، توافقات تجاری منطقه‌ای، به‌ویژه توافق ایالات متحده - مکزیک - کانادا (USMCA)، تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری الگوهای جدید تجاری داشتند. کشورهایی که از مزایای تعرفه‌ای و سیاست‌های تجاری مطلوب برخوردار بودند، توانستند سهم بیش‌تری از بازار ایالات متحده را تصاحب کنند. به‌طور خاص، مکزیک با بهره‌گیری از تعرفه‌های ترجیحی و دسترسی آسان‌تر به بازار ایالات متحده، سهم خود را در بخش‌های کلیدی زنجیره تأمین افزایش داد.

ویتنام و تایوان نیز با تکیه بر زیرساخت‌های صنعتی قوی و هزینه‌های رقابتی تولید، توانستند در بخش‌هایی مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، منسوجات و پوشاک جایگزین چین شوند. برخلاف تصور اولیه، هم‌راستایی ژئوپلیتیکی و مجاورت

جغرافیایی نقش تعیین‌کننده‌ای در این تغییرات نداشتند. آنچه بیش‌ترین تأثیر را داشت، رقابت‌پذیری اقتصادی، سیاست‌های تجاری تسهیل‌کننده و توانایی کشورها در ادغام در زنجیره‌های تأمین جهانی بود. این روند نشان می‌دهد که در دنیای تجارت بین‌المللی، عوامل اقتصادی و سیاست‌های تجاری، بیش از ملاحظات ژئوپلیتیکی، در تغییر مسیرهای تجاری نقش‌آفرین هستند.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که ایالات متحده در فرآیند تنوع‌بخشی واردات، به‌ویژه در بخش‌هایی که عرضه به‌شدت متمرکز بود، با موانع قابل‌توجهی روبه‌رو شد. در صنایعی که یک کشور بیش از ۷۵٪ از سهم بازار را در اختیار داشت، کاهش وابستگی و یافتن تأمین‌کنندگان جایگزین با محدودیت‌های جدی مواجه بود، زیرا تأمین‌کنندگان جدید به‌راحتی در دسترس نبودند. برخی صنایع به‌دلیل سطح بالای تخصص، فناوری پیشرفته یا زیرساخت‌های خاص تولید، تنها توسط تعداد محدودی از کشورها تأمین می‌شوند که همین امر انعطاف‌پذیری در زنجیره تأمین را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها بر اهمیت توسعه زنجیره‌های تأمین جایگزین تأکید دارند، به‌طوری که سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های تولید داخلی، تشویق به نوآوری در فناوری‌های کلیدی و ایجاد تنوع در تأمین‌کنندگان از طریق سیاست‌های تجاری هدفمند، می‌تواند ریسک‌های ناشی از تمرکز بیش‌ازحد تأمین‌کنندگان را کاهش داده و وابستگی به تعداد محدودی از کشورها را مدیریت کند.

استراتژی تنوع‌بخشی ایالات متحده در بخش‌های حیاتی مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، انرژی و بهداشت عمومی براساس اولویت‌های تعیین‌شده در دستور اجرایی ۱۴۰۱۷ شکل گرفته است، اما کاهش وابستگی به چین در این حوزه‌ها به‌طور یکسان محقق نشده است. در بخش ICT، کاهش سهم بازار چین محسوس بود که این امر عمدتاً ناشی از اعمال محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای مانند کنترل‌های صادرات نیمه‌هادی‌ها بوده است. در مقابل، در بخش‌های بهداشت عمومی و انرژی، کاهش وابستگی کم‌تر بوده یا حتی در برخی موارد افزایش وابستگی مشاهده شده است، که نشان‌دهنده چالش‌های ساختاری در جایگزینی تأمین‌کنندگان در این حوزه‌هاست. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که استراتژی تنوع‌بخشی ایالات متحده در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲، بیش از آن که تحت تأثیر ملاحظات ژئوپلیتیکی باشد، به سیاست‌های تعرفه‌ای و رقابت‌پذیری صنعتی وابسته بوده است. کشورهای دارای مزایای اقتصادی، مانند ویتنام و مکزیک، و کشورهایی که از سیاست‌های تجاری مطلوبی مانند توافق‌نامه USMCA برخوردار بودند، بیش‌ترین منفعت را از این تغییرات کسب کردند. با این حال، نقش هم‌راستایی ژئوپلیتیکی و مجاورت جغرافیایی در شکل‌دهی این تغییرات محدود بوده و عوامل کلیدی در بازسازی زنجیره تأمین جهانی بیش‌تر به مزیت‌های اقتصادی و سیاست‌های تجاری مرتبط بوده‌اند. با توجه به استمرار تحولات در سیاست‌های تجاری و صنعتی، ارزیابی مداوم اثرات این سیاست‌ها بر تجارت بین‌المللی و تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود.